

بازگشایی مفهوم داوری خودآیین و کارآمدی آن در داوری داخلی ایران و قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان

ناهید زندلشنی⁻

A مهدی حسن زاده⁻

هدایت الله سلطانی نژاد⁻

DOI: <https://doi.org/10.22096/law.2025.2024164.2198>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲]

چکیده

علی‌رغم اینکه خودآیینی به‌عنوان یکی از رویکردهای مرتبط با ماهیت داوری شناخته شده، خودآیینی نوعی سازوکار مقررات‌گذاری در داوری تجاری بین‌المللی است. این سازوکار بر مبنای ماهیت قراردادی داوری و به‌منظور تأمین هدف داوری که حل‌وفصل مسالمت‌آمیز و قطعی اختلاف است، مقررات‌گذاری را به سمتی هدایت می‌کند که موجب کاهش دخالت دادگاه و دادن اختیارات وسیع به داور یا هیئت داوری و محدود کردن توافق جایی که منافی هدف داوری است می‌گردد. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا به تشریح کیفیت سازوکار خودآیین می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد سازوکار خودآیین مختص داوری تجاری بین‌المللی نیست، بلکه یک رویکرد قاعده‌گذاری است که در داوری داخلی نیز قابل اجرا است. سپس به مقایسه مقررات‌گذاری در دو نظام حقوقی انگلستان و داوری داخلی ایران می‌پردازد. استفاده از سازوکار خودآیین منجر به کارآمدی نهاد داوری در حقوق انگلستان شده است. مقررات‌گذاری بر مبنای نگرش خودآیین می‌تواند ناکارآمدی داوری داخلی ایران را کم‌رنگ کرده یا از بین ببرد.

واژگان کلیدی: داوری؛ سازوکار؛ خودآیین؛ مقررات‌گذاری.

⁻ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: zandnahid76@gmail.com

Email: m.hasanzadeh@qom.ac.ir

Email: dhs1339@gmail.com

⁻ استاد، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

⁻ استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.



۱. مقدمه

رویکردهای ذکرشده درخصوص ماهیت داوری نحوه ارتباط نظام حقوقی با سازوکار داوری را نشان می‌دهند و توجهی به واقعیت داوری ندارند یا حداقل با مسائل این حوزه تطابق کامل ندارند.^۱ با اینکه اصل تشکیل نهاد داوری تابع توافق طرفین اختلاف است، شمار زیادی از قوانین و مقررات حاکم بر داوری توسط طرفین اختلاف تعیین نمی‌شود، بلکه مطابق نیاز طرفین اختلاف، به وسیله عوامل و فضایی که داوری در آن رشد و توسعه یافته است، تعیین می‌گردد.^۲

گفته فوق نافی ماهیت توافقی داوری نیست، بلکه اتفاقاً برخاسته از آن است. داوری می‌تواند ماهیت قراردادی داشته باشد، ولی وضع مقررات و طراحی و کیفیت فرایند رسیدگی در دست طرفین اختلاف نباشد؛ مانند اینکه خواهان طرح دعوا را به وکیل بسپارد. در اینجا، قدرت اراده خواهان منافاتی با تنظیم طراحی دعوا، نوع دعوای انتخابی و کیفیت دفاع توسط وکیل ندارد. پس در داوری، با اینکه صاحبان دعوا طرفین اختلاف هستند، ولی مقررات‌گذاران آن می‌تواند طرفین اختلاف نباشند.

نظام‌های حقوقی می‌توانند در خودآیین کردن داوری نقش مهمی داشته باشند. آن‌ها می‌توانند با تصویب مقررات مناسب که مشتمل بر اعطای اختیارات وسیع به داور یا هیئت داوری و اعطای نقش حداقلی و حمایت‌گرایانه برای دادگاه‌ها در داوری باشد، به خودتنظیم‌گری داوری اعتبار ببخشند. همچنین با سامان‌دهی حدود اختیارات طرفین اختلاف و کاهش آن در جایی که منافی هدف داوری است، کارایی داوری را تضمین نمایند.

این نوشتار، با پیش‌فرض کارآمدی سازوکار خودآیین، مترصد بررسی مقررات‌گذاری به کیفیتی است که داوری را به سمت خودآیینی هدایت می‌کند. پرسش اصلی این است که خودآیین در داوری چه معنایی دارد و به کارگیری آن در داوری نیازمند چه اقداماتی در حوزه مقررات‌گذاری است. سؤال فرعی این است که این سازوکار در دو نظام حقوقی انگلستان و ایران چه جایگاهی دارد و استفاده از سازوکار خودآیین در داوری داخلی ایران مستلزم ایجاد چه تحولاتی در زمینه مقررات‌گذاری است؟

۱. جولیان دی ام لیو، لوکاس ای میستلیس، و استفان ام کroll، *داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی*، ترجمه محمد حبیبی مجنده (قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۱)، ۹۶-۹۷.

2. Kun Fan, "Arbitrator's Contract," eds. Andrea Bjorklund, Franco Ferrari and Stefan Kroll, *Cambridge Compendium of International Commercial and Investment Arbitration* 12, no. 28 (2021): 1.

۲. مفهوم لغوی و اصطلاحی خودآیین

در نوشتارها، کلمه Autonomous به استقلال^۳ و اصطلاحاً به خودآیین ترجمه شده است.^۴ این کلمه از ریشه یونانی و ترکیب دو واژه Auto به معنای خود و nomous به معنای قانون است. خودآیینی دارای وجوه اشتراک با کلماتی مانند استقلال، خودسامانی و خودتنظیمی است. کلمه Self-Regulation به معنای خودتنظیمی و با خودآیین هم‌معناست. خودتنظیمی اصطلاحاً به معنای مداخله محدود یا عدم مداخله دولت در مقررات‌گذاری یک فعالیت یا حرفه است. خودتنظیمی به معنای حکومت خصوصی، یعنی سپردن وظایف سیاست عمومی به بازیگران بخش خصوصی در شکل ساختاریافته، با هدف تنظیم بازار ازسوی آن‌هاست.^۵

در این سازوکار، گروه‌های خصوصی تصمیماتی برای تنظیم رفتارشان اتخاذ می‌کنند و تنها به قوانین کلی وضع‌شده دولتی پایبند هستند.^۶ خودتنظیمی به ایجاد پروسه‌های قاعده‌ساز و فرایندهای مرتبط با منشأ انگیزه‌های خصوصی می‌پردازد و طبق آن، مداخله دولت زمانی مجاز است که گروه قادر به پیدا کردن راه‌حل مناسب نباشد.^۷ درحالی‌که خودتنظیمی قلمروی عام دارد و شامل قوانین ماهوی و شکلی می‌شود، تبادر اولیه از این مفهوم، مقررات آیینی و تشریفات رسیدگی است.

سازوکار خودآیین در حوزه داوری به طرفین اختلاف امکان می‌دهد بتوانند تا جایی که منافی هدف داوری نباشد، برخلاف مقررات مزبور توافق کنند. بنابراین در صورت سکوت یا عدم مخالفت صریح یا ضمنی آن‌ها، مقررات مزبور بر روابط آن‌ها حاکم می‌شود. قدرت این مقررات در حل اختلاف، ناشی از تناسب آن‌ها با نیاز و توقعات طرفین اختلاف و تأمین هدف داوری است. این عوامل موجب شده معمولاً برخلاف آن‌ها توافقی صورت نگیرد یا ضمانت اجرایی وضع شود که توافقات منافی هدف داوری را خنثی کند.

3. Hiro N. Aragaki, "Arbitration: Creature of Contract, Pillar of Procedure," *PennState Law Arbitration Law Review* 8, no. 5 (2016): 1142.

4. Fan, "ArbitratorCs Contract," 8.

۵. سعید رهایی و محسن متاجی، «تأملی بر مقررات‌گذاری در فضای سایبر»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی* ۵۲، شماره ۴ (دی ۱۴۰۱): ۲۱۳۲.

6. Michael L-douglas, "federal agency use of audited self-refulation as a regulatory technique," *administrative law review* 47, no. 2 (1995): 174.

7. Henry H. Perrit, "the internet as a threat to sovereignty? Thoughts on the internet role in strengthening national and global convergence," *Indiana Journal of Global Legal Studie* 5, no. 3 (1998): 892.

۳. خودآیین در دکتترین

عمده‌ترین تفاسیر ارائه شده از دیدگاه دکتترین، بر استقلال مطلق و نسبی داوری از دخالت دولت در داوری استوار است. اولی داوری را به صورت کلی رها از دخالت دولت می‌داند و دومی قائل به پذیرش درجه‌ای از مداخله است.

۳-۱. استقلال افراطی

طرفداران استقلال مطلق داوری باورمندند در داوری، هدف اجرای بی‌چون و چرای توافق است و دخالت دولت در تغایر با توافق و ممنوع است. لازمه داوری این است که قانون به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف طرفین تلقی شود، نه به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف عمومی که مختص سیستم قضایی است.^۸

گفته شده داوری می‌تواند تابع سیستم حقوقی ملی مشخص نباشد و حتی می‌تواند تعیین حقوق فردی را به خدمات اساساً غیرقانونی واگذار کند.^۹ خواسته طرفین شنیدن ادعاها و دفاعیاتشان و توقعشان جبران خسارت است، نه به این دلیل که قانون گفته است، بلکه به طور فطری چنین انتظاری دارند.^{۱۰} داوری ماهیتی اصیل دارد و در هیچ مقطعی نیازمند مساعدت دادگاه نیست. نقش اراده در داوری و شباهت عملکرد داور با قاضی نمی‌تواند موجب انتساب ماهیت قراردادی یا قضایی به داوری باشد.^{۱۱} داوری مستقل است و نباید توسط قانون محدود شود. ویژگی‌های واقعی داوری باید مطابق کاربرد و هدفی که داوری در سطح ملی و فراملی دارد و نیز شناخت ماهیت خودمختار آن تعیین شود.^{۱۲}

گفته شده دغدغه قانون‌گذار در سیستم قضایی، اجرای نظم است و حقوق افراد در چهارچوب مقرره‌های نظام حقوقی احراز می‌شود. در قضاوت، کشف واقعیت باید از طریق نظام ادله قانونی صورت پذیرد. قاضی مکلف به اجرای عدالت ظاهری است. اگر قاضی خارج از نظام حقوقی به حقیقت دسترسی داشته باشد، مکلف به رد دعوا است، زیرا سنجش

8. Aragaki, "Arbitration: Creature of Contract, Pillar of Procedure," 1149-

9. Thomas E Carbonneau, "The exercise of Contract Freedom in the Making of Arbitration Agreements," *Vanderbilt Journal of Transnational Law* 36, no. 4 (2003): 1200.

10. Jan Paulsson, *The Idea of Arbitration* (New York: Oxford University Press, 2013), 15.

۱۱. عبدالله شمس و فرهاد بطحایی، «ماهیت حقوقی داوری»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی* ۱۸، شماره ۷۰ (شهریور ۱۳۹۴): ۱۷.

12. Fan, "ArbitratorCs Contract," 8.

بازگشایی مفهوم داوری خودآیین و کارآمدی آن در ... / زندلشنی، حسن‌زاده و سلطانی‌نژاد ۱۳۷

عناصر دعوا در حصار قانون است. در داوری، یافتن ریشه اختلاف اولویت دارد و قانون، عرف، عدالت و انصاف در خدمت حل اختلاف قرار می‌گیرد. داوری خالق ایده سازش است و منافع طرفین را در این مسیر قرار می‌دهد و مفهومی متفاوت از قانون به نمایش می‌گذارد.^{۱۳}

برخی معتقدند تعیین ماهیت داوری وابسته به جنبه‌های عملی داوری مانند انعطاف‌پذیری و سرعت رسیدگی است. تحقق این جنبه‌ها وابسته به اعطای استقلال کامل به طرفین اختلاف درخصوص تعیین عناصر فرایند داوری، مانند قانون حاکم، تعیین رویه و غیره است. تنظیم مقررات توسط دولت، با آزادی قراردادی حاکم بر داوری رابطه معکوس دارد و دخالت دولت به معنی عدم احترام به توافق است.^{۱۴}

گفته شده نظم حقوقی داوری نظامی اصیل است و مشروعیت عمل داوران ریشه در حاکمیت هیچ کشوری ندارد، بلکه از اراده جمعی دولت‌ها برای به رسمیت شناختن عملکرد آن‌ها نشئت می‌گیرد. اساس استدلال آن‌ها این است که اقدام جمعی دولت‌ها مانند امضای معاهدات، یک نهاد حقوقی جداگانه را تشکیل می‌دهد که مبنای مشروعیت داوری در مقابل دولت‌ها یا هر منبع ملی می‌گردد.^{۱۵}

در انتقاد می‌توان گفت اقدام جمعی دولت‌ها که سازنده نهاد حقوقی مستقل برای داوری است، متشکل از اراده تک‌تک دولت‌ها است. در نتیجه، طرفداران استقلال افراطی به‌طور غیرمستقیم دخالت دولت‌ها در داوری را می‌پذیرند و مشروعیت داوری را وابسته به اقدامات جمعی دولت‌ها می‌دانند و به نتایج سخن خویش پایبند نیستند.

رویکرد مزبور با اعطای تمامی اختیارات به طرفین اختلاف، نقش داور را نادیده می‌گیرد، درحالی‌که داور ناخدای کشتی اختلافات است که مالکان (طرفین اختلاف) اداره کشتی را به وی سپرده‌اند. ناخدا باید موجب غرق شدن یا خروج کشتی از مقصد نشود. چنان‌که گفته‌اند توافق در آغاز رسیدگی داوری موضوعیت دارد و پس از شروع داوری، آزادی اراده محدود می‌شود و داور تصمیمات مهمی اتخاذ می‌کند.^{۱۶}

13. Rene David, *Arbitration in International Trade* (Berlin: Springer Netherlands, 1885), 333-334.

14. Hong-Lin Yu, "A Theoretical Overview of the Foundations of International Commercial Arbitration," *Contemporary Asia Arbitration Journal* 1, no. 2 (2008): 278-279.

15. Emanoal Gaillard, *Legal Theory of International Arbitration* (Berlin: Brill Nijhof, 2010), 39.

۱۶. دی ام لیو، ای میستلیس، و ام کرول، *داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی*، ۱۰۲.

در این تلقی، انتخاب‌های غیرمنطقی یا نادرست لازمه خودآیینی دانسته می‌شود. مثلاً توافق بر رسیدگی‌های غیرمنطقی، حتی وقتی معارض با فلسفه داوری است، به رسمیت شناخته می‌شود. دیوان داوری از تحمیل تصویری خاص از داوری برخلاف میل طرفین ممنوع است. تحقق آزادی به معنای عدم وجود محدودیت در انتخاب‌های طرفین اختلاف به جای دنبال کردن خیر مشخص و از پیش تعیین شده است.^{۱۷}

تفسیر ظاهری از آزادی قراردادی اجازه کنکاش جهت کشف قصد واقعی طرفین را نمی‌دهد و آن را لازمه احترام به آزادی قراردادی می‌داند. در نتیجه، اعمال اختیارات قانونی به افراد به وسیله اعطای قدرت به آن‌ها، امکان تحقق خواسته‌های آن‌ها را از طریق ایجاد ساختاری از حقوق و وظایف با رویه‌های دلخواه فراهم می‌کند. در اینجا، آزادی انتخاب لزوماً به معنای انتخاب‌های واقعی و درست نیست. برای مثال، حتی کاربران حرفه‌ای مانند مدیران کسب‌وکار با موانع قابل توجهی برای استفاده معنادار از استقلال مانند فقدان دانش مرتبط، بی‌تجربگی یا پیش‌بینی ناپذیری اختلافات مواجه هستند.^{۱۸}

این رویکرد موافقت‌نامه داوری را به یک ابرقرارداد تبدیل می‌کند، درحالی‌که دلیل برتری آن بر سایر قراردادهای و چرایی معافیت از بازبینی قضایی را ارائه نمی‌دهد. انتقاد مهم‌تر اینکه پیش‌فرض اساسی داوری این است که طرفین در حل اختلاف خود شکست خورده‌اند.^{۱۹} فرایند داوری را صرفاً توافق نمی‌سازد، زیرا اگر چنین بود، نیازی به دخالت ثالث (داور) نبود. توافق بر داوری لزوماً منجر به صدور رأی علیه یکی از طرفین می‌شود و در این خصوص توافقی وجود ندارد.

مضافاً در اجرای رأی، دولت ضرورتاً یک نظارت کلی جهت حفظ ارزش قانون اعمال می‌کند و آزادی یک طرف را جهت تأمین آزادی دیگری نادیده می‌گیرد. همچنین زمانی که بازبینی قضایی مطلوب طرفین باشد، اجرای آن موافق قرارداد است. بنابراین لازمه خودآیینی اجرای دقیق موافقت‌نامه داوری نیست. دلیل این نتیجه‌گیری یکی پنداشتن ماهیت داوری با خودآیینی است، زیرا در ارائه معیارهای آزادی ناتوان است. وانگهی به نتایج خود پایبند نیست، زیرا در عین حال که مخالف دخالت دولت در داوری است، معیار جایگزین برای تعیین حدود آزادی ارائه نمی‌کند.

17. Aragaki, "Arbitration: Creature of Contract, Pillar of Procedure," 1155.

18. Thomas J Stipanowich, "Arbitration and Choice: Taking Charge of the "New Litigation",
DePaul Business and Commercial Law Journal 7, no. 3 (2009): 383-386.

19. Kenneth S. Carlston, "Theory of the Arbitration Process," *Law and Contemporary Problems* 17, no. 4 (1952): 632.

۳-۲. استقلال نسبی داوری

طرفداران این نظریه دخالت محدود دولت و دادگاه را در داوری به رسمیت می‌شناسند. آن‌ها دلیل انتخاب داوری را ناتوانی دادگاه‌های ملی برای رسیدگی به اختلافات پیچیده و متعدد تجاری که نیازمند تصمیم‌گیری فوری و نهایی است، می‌دانند. گفته شده داوری در فضایی مخصوص عمل می‌کند و قوانین و اصول تجاری حاکم بر فرایند داوری است.^{۲۰}

این نظریه بر اهمیت نقش اراده طرفین در داوری تأکید می‌کند؛ یعنی قدرت داوری را ناشی از اطمینان طرفین برای دستیابی به عدالت و همکاری داوران می‌داند. استدلال اصلی این گروه با منطق خودآیینی در داوری تجاری بین‌المللی سازگار است، زیرا مشروعیت و اثربخشی رأی داور را وابسته به تعداد نامحدودی از احکام حقوقی بالقوه می‌داند. از این رو، اعتبار رأی محدود به تأیید یک دولت ملی مشخص نیست، بلکه می‌تواند فارغ از عدم اجرای آن در کشوری، در سایر کشورها قابل اجرا باشد.

طرفداران این نظریه معتقدند استانداردهای داوری نوعی هم‌زیستی و موافقت با قوانین دولتی دارند. قوانین دولتی با محافظت و به رسمیت شناختن این استانداردها از داوری حمایت می‌کنند. این حمایت‌ها شامل به رسمیت شناختن توافق‌نامه داوری، اجرای رأی و پشتیبانی از فرایند داوری در صورت نیاز است. بنابراین آن‌ها اختیار بازمینی مسائل ماهوی را ندارند.^{۲۱}

از نتایج پایبندی به استقلال نسبی این است که طرفین اختلاف می‌توانند داوری را در کشوری تدارک ببینند که هیچ الزامی در خصوص داوری بر آن‌ها تحمیل نمی‌کند. همچنین طرفین یا داوران می‌توانند تصمیم بگیرند که قانون حاکم بر ماهیت داوری هیچ قانون ملی مشخصی نباشد. حتی طرفین اختلاف می‌توانند مقرر کنند رأی داوری از هرگونه بررسی معنی‌دار در امان باشد.

این نظریه ضمانت اجرایی برای عدم پایبندی دولت‌ها به سنجش رأی براساس استانداردهای فراملی ارائه نمی‌دهد؛ تنها راه‌حل را در تغییر نگرش دادگاه‌های ملی در احترام به انتخاب طرفین اختلاف و حاکمیت اراده ایشان عنوان می‌کند و تفسیری محدود از

۲۰. جولیان دی. ام. لیو و ترجمه فیض‌الله جعفری، «تحقق رؤیا: داوری خودآیین»، مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۶، شماره ۴۰ (بهار و تابستان ۱۳۸۸): ۱۶۶.

۲۱. دی ام لیو، «تحقق رؤیا: داوری خودآیین»، ۱۶۷.

خودآیینی ارائه می‌دهد و مرز مداخلات دولت را نیز مشخص نمی‌کند. اساس استدلال طرفداران خودآیینی بر جدایی داوری از دخالت دولت‌ها استوار است و به ابعاد دیگر خودآیینی توجهی ندارد. مضافاً در این نظریه خودآیینی در داوری داخلی ورودی ندارد.

۴. خودآیین در مفهوم واقع‌گرایانه

درک واقع‌گرایانه از سازوکار خودآیین آن را منحصر به جدایی از دخالت دولت نمی‌داند و موجب می‌شود بتواند به داوری داخلی نیز خدمت کند. ابتدا باید پرسید چرا این مفهوم اصرار بر جدایی داوری از دخالت دولت‌ها دارد؟ پاسخ آن است که مقررات دولتی برای رسیدگی قضایی وضع شده است. در رسیدگی قضایی تحقق عدالت نیازمند وجود مقررات منسجم و هماهنگ است. بالعکس، در داوری، مفهوم عدالت و نظم منعطف است و در روابط بین فردی معنا پیدا می‌کند. حوزه قراردادی اقتضا می‌کند نیاز و خواست طرفین در اولویت قرار بگیرد. بنابراین اگر دولت بتواند با توجه به چنین کیفیتی مقررات‌گذاری کند، داوری کارآمد می‌شود.

مشکل در دخالت یا عدم دخالت دولت در داوری نیست؛ مشکل در نگرشی است که به ماهیت داوری وجود دارد. وقتی پذیرفته شود داوری ماهیتی توافقی دارد، مقررات‌گذاری نیز بر این مبنا سمت‌وسو پیدا می‌کند. ماهیت توافقی داوری اقتضا می‌کند مقررات‌گذاری در پرتو توجه به هدف داوری و توجه به خواست طرفین اختلاف باشد. برقراری تعادل بین این دو مقرر می‌تواند کارآمدی و مطلوبیت داوری را تأمین کند. آنچه خودآیینی را فعالیت می‌بخشد جمع ویژگی‌هایی است که داوری را از دعوای قضایی متمایز می‌کند، نه عدم دخالت دولت در داوری. بنابراین زمانی که دخالت سایر عناصر مانند دولت در تعارض با این ویژگی‌ها باشد، وضعیت استقلالی داوری به خطر می‌افتد. پس دخالت فی‌نفسه موضوعیت ندارد، بلکه کیفیت دخالت می‌تواند مشکل‌ساز شود. مقررات‌گذاری توسط هر نهاد یا فردی اگر متناسب با هدف داوری باشد، نه تنها ممنوع نیست بلکه توصیه می‌شود.^{۲۲} با این نگرش، خودآیینی دیگر منحصر به داوری تجاری بین‌المللی نیست، بلکه می‌تواند در داوری داخلی نیز کاربرد داشته باشد.

در نظام حقوقی انگلستان، مقررات واحدی بر داوری اعم از داوری بین‌المللی و داخلی

22. Julian D. M Lew, "Achieving the dream: Autonomous Arbitration," *Indiana Journal of Global Legal Studies* 22, no. 2 (2006): 173.

بازگشایی مفهوم داوری خودآیین و کارآمدی آن در ... / زندلشنی، حسن‌زاده و سلطانی‌نژاد ۱۴۱

حاکم است. داوری یک ماهیت واحد دارد. هرچند وجه بین‌المللی اختلاف نیازمندی به یک دسته مقررات متفاوت را ایجاب می‌کند، ولی این تفاوت به اندازه‌ای نیست که موجب مقررات‌گذاری دوگانه بر نهاد داوری باشد. در اکثر موارد مانند موارد اعتراض به رأی داوری، قلمرو اختیارات داور و طرفین اختلاف اشتراکات زیادی وجود دارد.

تمرکز بر درک تفاوت‌های رسیدگی قضایی از داوری نیازمند توجه به اهداف داوری است. با این تلقی حتی جنبه توافقی داوری در سایه هدف داوری قرار می‌گیرد. هدف متفاوت از ماهیت است و این دو باید بتوانند در تعامل با یکدیگر باشند تا اختلاف حل‌وفصل شود. در رسیدگی قضایی، مقررات‌گذاری بر مبنای احقاق حق صورت می‌گیرد. احقاق حق آن اندازه مورد توجه است که ممکن است برای وصول به آن، سال‌ها یک پرونده در مراحل مختلف تحقیق و اعتراض قرار بگیرد. دادگستری حامی حقوق افراد است و تمام ابزارها را برای حمایت از این حقوق فراهم می‌کند، تا جایی که ممکن است زیان‌دیده زمانی به حق خود برسد که برای او ارزشی نداشته باشد.

بالعکس در داوری آنچه اهمیت اساسی دارد حل اختلاف است و احقاق حق در شعاع حل اختلاف قرار می‌گیرد. توافقی بودن خاص داوری نیست و سایر روش‌های حل اختلاف مانند سازش و میانجی‌گری چنین خصوصیتی دارند. بنابراین به عنصر متمایزکننده دیگری نیاز است. داوری اختلاف را به شکل نهایی حل می‌کند. تصمیم داور، حداقل براساس ماهیتش، قابل بررسی مجدد نیست، زیرا داوری معمولاً به دلیل سرعت و انعطافی که دارد انتخاب می‌شود و لازمه این دو حل قطعی اختلاف است.

دو ویژگی مزبور نیازمندی داوری به یک آیین منحصر به فرد برای رسیدگی را ثابت می‌کند. این آیین داوری را از تشریفات پیچیده قضایی جدا می‌کند. این ویژگی‌ها خودآیینی را از خوداتکایی داوری متمایز می‌کند. بنابراین داوری می‌تواند برای تأمین این ویژگی‌ها، متکی به حمایت و دخالت دستگاه قضایی باشد. دخالت به این دلیل ممنوع است که مقررات قضایی تکافوی اهداف داوری را نمی‌کند. پس اگر قواعدی متناسب وضع شود، مشکلی ایجاد نمی‌کند.

این تفسیر نگرش به استقلال داوری را به معنای جدایی از سیستم قضایی دولتی تفسیر نمی‌کند و دستگاه قضایی را در مقابل داوری قرار نمی‌دهد. درک ویژگی‌ها و اهداف متمایزکننده داوری از دعوای قضایی موجب می‌شود دولت‌ها مقررات داخلی خود را متناسب

با این ویژگی تنظیم کنند و برتری آزادی اراده طرفین را بپذیرند و تنها به وضع مقررات کلی اکتفا کنند. چنان‌که گفته‌اند عدم انکار نقش مقررات دولتی در خودتنظیمی برگرفته از رویکردی است که معتقد است اعطای نقش به دولت منافاتی با خودتنظیمی ندارد.^{۲۳}

هرچند خودتنظیمی نتیجه توافق است، ولی به این معنا نیست که طرفین مقررات را تنظیم می‌کنند. درست مانند زبان که مخلوق انسان است، ولی نظامی که در آن وجود دارد به گونه‌ای است که مقررات آن امروزه حاکم بر انسان است. چنانچه کسی بخواهد زبان فرانسوی بیاموزد، باید تابع دستورات حاکم بر زبان فرانسوی باشد. درواقع کاربران داوری مخدومی به نام داوری را برای حل اختلاف خود انتخاب کرده‌اند که امروز این مخدوم خادم آن‌ها شده است. اگر طرفین اختلاف بخواهند با داوری اختلافشان حل شود، مکلف به رعایت مقرراتی هستند که دست‌های نامرئی^{۲۴} داوری آن‌ها را تنظیم می‌کند.

بنابراین خودآیینی مفهومی از مقررات‌گذاری در داوری است که مقررات را براساس هدف داوری و نوع نیاز و خواست طرفین اختلاف از توافق آن‌ها به سمت عوامل مرتبط با داوری و حل قطعی اختلاف سوق می‌دهد و به این طریق، کارآمدی داوری را تضمین می‌کند. با این تلقی، خودآیینی مختص داوری تجاری بین‌المللی نیست. در این مفهوم، دخالت دولت در داوری موضوعیت ندارد. این سازوکار هر ابزاری را که بتواند به تحقق اهداف داوری کمک کند به خدمت می‌گیرد و بالعکس حتی اگر توافق مانع تحقق هدف داوری شود، آن را نادیده می‌گیرد.

۵. اعمال رویکرد خودآیین در داوری داخلی ایران، با نگاه به قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان

انگلستان دارای یکی از پیشرفته‌ترین نظام‌های حقوقی در حوزه داوری است. از مهم‌ترین دلایل موفقیت این سیستم، بهره‌گیری از سازوکار خودآیین در تدوین مقررات است. با این تلقی و با مقایسه برخی مقررات داوری داخلی ایران با قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان^{۲۵}، در عین حال که مؤلفه‌های خودآیینی به دست می‌آید، اصلاح و تغییر مقررات داوری داخلی با الهام از حقوق انگلستان پیشنهاد می‌گردد.

۲۳. رهایی و متاجی، «تأملی بر مقررات‌گذاری در فضای سایبر»، ۲۴۰.

۲۴. معادل کلمه invisible hand است. این واژه اولین بار توسط آدام اسمیت در تنظیم نظام عرضه و تقاضا در بازار به کار گرفته شد.

25. UK, Arbitration Act, 1996.

۵-۱. اصل ممنوعیت مداخله دادگاه

اساسی‌ترین مؤلفه در تبیین مفهوم خودآیینی، استقلال داوری از رسیدگی قضایی است، زیرا این امر دلیل اصلی انتخاب داوری بوده است. قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان در تأمین استقلال داوری، در بخش ۱ (ج) صراحتاً به اصل ممنوعیت مداخله دادگاه در داوری، به‌عنوان یکی از اصول کلی حاکم بر داوری اعتبار داده است. هرچند قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان قانون نمونه آنسیترال را پذیرفته است، ولی این مقرر شبيه رویکرد ماده ۵ قانون نمونه است که می‌گوید: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند در موضوعات مشمول این قانون دخالت کند، مگر در مواردی که به موجب این قانون پیش‌بینی شده است.» به این ترتیب، در انگلستان داوری یک استثنای مجاز بر رسیدگی قضایی نیست، بلکه با توافق طرفین اختلاف، اصل و اساس می‌شود.

اصل عدم مداخله دادگاه در داوری، در راستای تأمین هدف داوری یعنی رسیدن به حل منصفانه اختلاف، توسط یک هیئت بی‌طرف، بدون هزینه و تأخیر است که در قسمت الف بخش (۱) قانون به رسمیت شناخته شده است. این در حالی است که در قانون داوری داخلی ایران، هدف داوری و اصل عدم دخالت دادگاه در داوری وجود ندارد و فی‌الواقع داوری یک استثنا بر رسیدگی قضایی است.

وجود چنین مقرره‌ای به قطعیت حل اختلاف از طریق داوری اعتبار می‌دهد. وقتی اصل بر حاکمیت داوری و عدم مداخله دادگاه باشد، استناد به اختیارات کلی فرعی که دادگاه‌ها ممکن است مدعی شوند، از بین می‌رود.^{۳۶} نبود چنین مقرره‌ای در مقررات داوری داخلی ایران، راه را برای دخالت دادگاه در مواردی که تردید وجود داشته باز می‌کند. حتی موجب می‌شود در موارد تردید، اصل استثنایی بودن داوری حاکم شود و دادگاه در خصوص مسئله تعیین تکلیف کند.

مقرر کردن اصل عدم مداخله دادگاه حاوی نتایج مهمی است. اولاً طرفین اختلاف را آگاه می‌کند که با انتخاب داوری از مزایای رسیدگی قضایی محروم می‌شوند و خطر از دست دادن آگاهانه حقوق آن‌ها را به‌موجب داوری یا داوری می‌کند، زیرا هدف اصلی داوری فصل خصومت است و احقاق حق در شعاع فصل خصومت قرار می‌گیرد. ثانیاً در موارد تردید، با مراجعه به اصل مزبور، اصل عدم مداخله دادگاه حاکم می‌شود و اختلاف از طریق داوری فیصله می‌یابد.

۳۶. دی ام لیو، ای میستلیس، و ام کرول، داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی، ۳۷۳.

شاید انگلستان جهت تأمین احترام به اصل ممنوعیت مداخله دادگاه، قانون واحد و جداگانه‌ای برای داورى وضع کرده است. بالعکس در نظام حقوقی ایران، مقررات داورى در یکی از ابواب قانون آیین دادرسی مدنی که مختص رسیدگی قضایی است، گنجانده شده است و درخصوص اصل عدم دخالت دادگاه در داورى مقرره‌ای یافت نمی‌شود. در نتیجه، داورى یک استثنا بر رسیدگی قضایی است. این نگرش در جای جای مواد باب داورى حاکم است که به فراخور بحث به آن‌ها اشاره می‌شود.

نگرش استثنایی بودن داورى در رویه قضایی نیز وجود دارد. مثلاً در وضعیتی که با وجود شرط داورى، خواهان دعوا را در دادگستری مطرح می‌کند و خوانده ایراد عدم صلاحیت نمی‌گیرد، تکلیف چیست؟ رویه قضایی متشکست است. رأی شماره ۸/۶۶۵ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۰۳ شعبه هشت دیوان عالی کشور قرار عدم استماع شعبه ۳۰ دادگاه حقوقی تهران را مستند به شرط داورى در پرونده‌ای - با موضوع الزام به انتقال یک دستگاه آپارتمان و خسارت ناشی از تحویل مبیع شخصی علیه شرکت تعاونی مسکن صداوسیما - را نقض کرد، با این استدلال که صرف عدم ایراد به معنی توافق بر سقوط داورى است، زیرا صلاحیت محاکم دادگستری عام و داورى استثنا است.^{۲۷}

شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، در پرونده کلاسه ۱۳۸۹/۲۸/۸۲ دادنامه شماره ۷۹۴، رأی صادره در دادنامه شماره ۴۶۷-۴۶۶-۱۳۸۰/۰۳/۳۱ شعبه ۳۱۱ دادگاه بدوی را نقض کرد. شعبه بدوی با وجود شرط داورى رسیدگی کرده بود و از نظر دادگاه تجدیدنظر، دادگاه با وجود شرط داورى باید قرار عدم استماع دعوا صادر می‌کرد.^{۲۸}

موضوع دیگر در بی‌توجهی به اصل عدم مداخله دادگاه، در موارد اعتراض به رأی داورى دیده می‌شود. مواد ۶۸ و ۶۹ قانون داورى ۱۹۹۶ انگلستان، شرایط سختی برای نقض رأی داورى پیش‌بینی کرده است. اعتراض به رأی داور باید به دلیل نقض جدی اصول دادرسی باشد و به‌طور جدی بر حقوق طرفین اثر گذاشته باشد. قانون مزبور موارد نقص جدی را احصا کرده است. برای مثال، اگر داور از توافقات رویه‌ای طرفین اختلاف تجاوز کند، ولی این عدم رعایت تأثیری بر حقوق آن‌ها نگذاشته باشد، نمی‌توان به این دلیل به رأی اعتراض کرد.

۲۷. یدالله بازگیر، تشریفات دادرسی مدنی در آرای دیوان عالی کشور، داورى و احکام راجع به آن (تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۸۰)، ۴۵.

۲۸. محمد رضا زندی، رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در امور مدنی ۲ (داورى) (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸)، ۲-۱.

بازگشایی مفهوم داوری خودآیین و کارآمدی آن در ... / زندلشنی، حسن‌زاده و سلطانی‌نژاد ۱۴۵

در ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، رأی داور در مواردی اساساً باطل دانسته شده است، حتی اگر موارد ذکرشده منجر به تضییع حق یکی از طرفین اختلاف نشده باشد. مضافاً موارد ذکرشده قابلیت تفسیر گسترده دارد و راه دخالت دادگاه در داوری را باز کرده است. این مقرر با کارایی و هدف داوری در تعارض آشکار است.

موارد موجب نقض در داوری داخلی ایران صرفاً از طریق دادگاه رسیدگی می‌شود. درحالی‌که طبق مواد ۶۸ و ۶۹ قانون داوری انگلستان، با وجود موارد نقض، دادگاه در مواردی رأی را لغو می‌کند و در مواردی برای اصلاح به داور برمی‌گرداند. برای مثال، چنانچه رأی داور به دلیل عدم رعایت بی‌طرفی و انصاف صادر شده باشد برای بررسی مجدد به داور بازگردانده می‌شود. همچنین طبق قانون داوری انگلستان، حق اعتراض به رأی داور با توافق قابل اسقاط است، درحالی‌که در قانون ایران چنین مقرره‌ای پیش‌بینی نشده است.

۵-۲. استقلال داوری از توافق

از دیگر مؤلفه‌های خودآیینی، استقلال حداقلی داوری از توافق است؛ به این معنا که فرایند داوری را صرفاً توافق طرفین نمی‌سازد، زیرا اگر چنین بود، طرفین به‌تتهایی می‌توانستند اختلاف را حل کنند. چنان‌که گفته‌اند، فرض اساسی داوری این است که طرفین در حل اختلاف خود شکست خورده‌اند.^{۲۹} با این تلقی، خواست طرفین اختلاف اگر منافی هدف داوری باشد، قابل ترتیب اثر نیست. سازوکار خودآیین برای وصول به هدف داوری، توافقات طرفین اختلاف را هنرمندانه سامان‌دهی و حدود و ثغور آن را تعیین می‌کند.

قانون داوری انگلستان در برخی موارد برای تضمین انصاف، کارآمدی و نظم عمومی و یا تأمین هدف داوری، اختیارات طرفین اختلاف را محدود کرده یا از بین برده است. مثلاً یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که موجب تضمین رسیدگی منصفانه در داوری می‌شود، بی‌طرفی و عدم ذی‌نفعی داور است. در بند (ب) ماده ۱ قانون، بی‌طرفی داور به‌عنوان یکی از اصولی که قواعد قانون منطبق با آن تفسیر می‌شود، بیان شده است. قانون انگلستان ضمانت اجرای متنوعی برای عدم رعایت بی‌طرفی و اعمال جانب‌داری مقرر داشته است که عبارت‌اند از: (۱) ارسال پرونده به داوری برای بررسی مجدد به‌صورت کلی یا جزئی؛ (۲) فاقد اثر دانستن رأی به‌طور کلی یا جزئی؛ (۳) عزل داور و نصب داور جایگزین.

29. Carlston, "Theory of the Arbitration Process," 632.

طبق ماده ۲۴ قانون داوری انگلستان، مواردی از قبیل بی طرفی و قصور در رفتار مناسب که منجر به بی عدالتی اساسی شود، از جهات عزل داور توسط دادگاه شناخته است. طبق ماده ۶۸، در صورتی که عدم رعایت بی طرفی منجر به بی نظمی جدی شده باشد، رأی باطل می شود. به صورت کلی، بی طرفی و عدم ذی نفعی داور، مانند دیگر موارد بطلان، مشروط به تحقق شرایطی مانند ایجاد بی نظمی جدی یا تأثیر اساسی در رأی صادره، می تواند موجب اعمال ضمانت اجراهای قانونی شود.

قانون گذار ایران، بدون تعیین اصول و هدف داوری و بدون لحاظ شدت و ضعف برای موارد بطلان و نیز کیفیت اثرگذاری موارد بطلان بر رأی داور، قاعده گذاری کرده است. برای مثال، طبق ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، ذی نفعی داور مطلقاً از موارد بطلان رأی داور دانسته شده است. عجیب تر اینکه طرفین می توانند با توافق داوری را انتخاب کنند که ذی نفع است. این توافق خلاف اصول دادرسی عادلانه است و با هدف داوری که حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف است منافات دارد.

رویکرد فوق موجب تشکیک در رویه قضایی شده است. برای مثال، در دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۴۳۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۹ شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، تراضی طرفین در انتخاب داور موجب اسقاط حق جرح داور مبنی بر وجود رابطه نسبی با سببی گردید و حتی علم و اطلاع طرفین بر عدم وجود جهات رد لازم نبود. در مقابل، شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۸۲۱۶۰۱۰۰۲۸۰ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۰۵ معتقد بود انتخاب مدیرعامل شرکت طرف قرارداد، به عنوان داور، وقتی با رضایت طرف دیگر و با علم و اطلاع وی از این سمت باشد، فاقد ایراد است. مفهوم مخالف سخن دادگاه این است که اگر علم و اطلاع وجود نداشته باشد، حتی با وجود اسقاط حق جرح، حق جرح داور از بین نمی رود، زیرا این حق از اصول عادلانه دادرسی است و با توافق قابل اسقاط نیست.^{۳۰}

خودآیینی اقتضا می کند موارد جرح داور از مقررات آمره باشد، یا حداقل توافق طرفین بعد از وقوع اختلاف تأثیرگذار باشد، زیرا بعد از وقوع اختلاف، طرفین آگاهی بیشتری به ابعاد اختلاف دارند و بهتر می توانند در مورد اسقاط حقوق خود تصمیم بگیرند. از طرفی وقتی قانون اجازه انتخاب داور یا داوران ذی نفع را به طرفین می دهد، هر چند موافق با اصل حاکمیت اراده

۳۰. «نمونه رأی بی طرفی داور (بطلان رأی داور به جهت ذی نفع بودن در دعوا)»، عدالت سرا، آخرین دسترسی در ۱۵ مهر ۱۴۰۳ <https://edalatsara.com/example-of-arbitrators-neutrality-in-arbitration>

بازگشایی مفهوم داوری خودآیین و کارآمدی آن در ... / زندلشنی، حسن‌زاده و سلطانی‌نژاد ۱۴۷

آن‌ها است، ولی داور ذی‌نفع می‌تواند به دلیل وجود عنصر جانب‌داری، مطلوبیت هدف داوری را که حل منصفانه اختلاف است، در معرض خطر قرار بدهد.

مقررۀ دیگری که منجر به تأمین خودآیینی داوری می‌شود، در تمدید مهلت داوری نمود پیدا می‌کند. عوامل مختلفی مانند سادگی یا پیچیدگی اختلاف، سطح انتظارات و نیاز طرفین در تعیین مدت تأثیر می‌گذارد. بنابراین نمی‌توان قائل به تعیین مدت مشخصی برای انجام داوری بود. این در حالی است که طبق قانون داوری داخلی ایران، در صورتی که طرفین برای داوری مدت تعیین نکرده باشند، مدت داوری طبق تبصرۀ مادۀ ۴۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، سه ماه است. این مدت صرفاً با توافق طرفین قابل تمدید است و داور یا هیئت داوری نمی‌توانند تقاضای تمدید مدت کنند.

رویه قضایی حتی تقاضای تمدید مدت توسط داوران از دادگاه را مردود اعلام داشته است. در دادنامه شماره ۰۸۶۹-۹۲، شعبۀ ۱۵ تجدیدنظر استان تهران رأی شعبۀ ۲۷ دادگاه بدوی را که با تقاضای تمدید مهلت داوری به موجب تقاضای داور موافقت کرده بود، نقض کرد. دادگاه معتقد بود تقاضای تمدید از حقوق طرفین اختلاف است و داوران نمی‌توانند تقاضای تمدید مهلت داوری کنند.^{۳۱} هرچند استدلال دادگاه تجدیدنظر مطابق با مقررات قانونی است، ولی نشان می‌دهد قانون‌گذار ایرانی معتقد به ماهیت قضایی داوری است، درحالی که سازوکار خودآیین اقتضا می‌کند داوران اختیار تقاضای تمدید مهلت داوری را داشته باشند.

به نظر نگارنده، چنانچه داور یا هیئت داوری علی‌الرأس مهلت داوری را تمدید کند، در مرحله اعتراض، اگر دادگاه تشخیص دهد تمدید مهلت بنابر شرایط پرونده و درجهت احراز عدالت آیینی و تأمین هدف داوری بوده است، نمی‌تواند رأی را به این دلیل باطل کند. در دادنامه شماره ۰۱۲۷۲-۹۳۰۹۹۸۰۰۱۰۶۰۱۲۷۲ شعبۀ ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران رأی داور را به این دلیل که داوران نمی‌توانند علی‌الرأس مدت داوری را تعیین کنند، باطل کرد. جالب اینکه ابطال رأی داوری در دادنامه صادره، در فرضی بود که علت تجدیدنظرخواهی بطلان رأی براساس مقررۀ دیگری بود.^{۳۲}

۳۱. «تمدید مدت داوری»، سامانه ملی آرای قضایی، آخرین دسترسی در ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/4900>.

۳۲. «تمدید مهلت صدور رأی داوری توسط داوران»، سامانه ملی آرای قضایی، آخرین دسترسی در

۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/29410>.

بالعکس در قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان، در فرضی که طرفین مدتی برای داوری تعیین نکرده باشند، اختیار تعیین مدت معقول، با در نظر گرفتن شرایط هر پرونده، به داور یا هیئت داوری سپرده شده است. مدت مزبور، هم با توافق طرفین و هم به تشخیص داور، به صورت علی‌الرأس قابل تمدید است. قانون داوری انگلستان حاوی اصول کلی برای تعیین مدت داوری است. طبق این قانون داوران متعهد هستند اطمینان دهند تأخیر غیرضروری در انجام داوری وجود ندارد.^{۳۳}

تمدید مهلت داوری در قانون مزبور منحصر به توافق طرفین اختلاف نیست. گاهی برای تأمین مطلوبیت و کارآمدی داوری، قلمرو توافق محدود شده است و اختیار تمدید مدت با داور یا هیئت داوری است. به صورت کلی، تمدید مهلت در قانون داوری انگلستان تابع شرایط سختی است. دادگاه‌های انگلیس در صورتی با تمدید موافقت می‌کنند که متقاعد شوند اوضاع و احوال به شکلی است که برای طرفین قابل‌پیش‌بینی نبوده و تمدید مهلت عادلانه است.^{۳۴} همچنین اگر در صورت عدم تمدید بی‌عدالتی مهمی صورت بگیرد، با آن موافقت می‌شود. بالعکس، در مواردی که داور یا هیئت داوری تقاضای تمدید مهلت می‌کند، شرایط آسان‌تری مقرر شده است و موافقت با تمدید برای پر کردن خلأ یا گسترش اختیارات هیئت داوری است.^{۳۵}

۳-۵. تأمین استقلال داوران

از مؤلفه‌های دیگر خودآیینی، توانایی تصمیم‌گیری داور یا هیئت داوری است درمورد اینکه چه کاری انجام بدهند، به جای اینکه تحت تأثیر دیگری قرار بگیرند یا به آن‌ها گفته شود چه کاری انجام بدهند.^{۳۶} چنان‌که گفته شد، داوری ماهیتی توافقی دارد و داوران باید محدودیت برگرفته از توافق و اراده طرفین را رعایت کنند، ولی این مسئله می‌تواند موجب ایجاد اختلال از جانب آن‌ها در فرایند داوری شود. بنابراین استقلال داور ابتدا بر جلوگیری از بازگشت داوری به دعوای قضایی استوار است. در وهله دوم، استقلال عملکرد داور به منظور جلوگیری از ترندهایی است که طرفین اختلاف برای اخلال در روند داوری به کار می‌گیرند.

33. Arbitration Act, 1996, Section 33(1)(b).

34. Arbitration Act, 1996, Section 12(3).

35. Arbitration Act, 1996, Section 50(3) and Section 79 (3).

36. Emilia Onyema, "The Concept and Scope of the Arbitrator's Autonomy", last modified May 1, 2023, <http://eprints.soas.ac.uk/39075.2023>.

بازگشایی مفهوم داوری خودآیین و کارآمدی آن در ... / زندلشنی، حسن‌زاده و سلطانی‌نژاد ۱۴۹

خودآیینی مستلزم اعطای اختیاراتی شبیه قضات به داوران است. با انتخاب داوری، طرفین از طرح دعوای قضایی چشم‌پوشی می‌کنند و به تبع آن، حق برخورداری از روند قانونی و حمایت یکسان قانونی را از خود سلب می‌کنند. آن‌ها به داور اختیار تصمیم‌گیری درخصوص حقوق و تکلیف خود را اعطا می‌کنند.^{۳۷} در برخی مقررات، اختیارات وسیعی به داوران داده شده است که با پذیرش یک شرط کلی، بر روابط طرفین اختلاف حاکم می‌شود.^{۳۸} اعطای اختیارات به داوران، در راستای حصول رأی نهایی لازم‌الاجرا، با توسل به شیوه‌های بی‌طرفانه و منصفانه است.

ایجاد محدودیت توسط طرفین فرایند داوری را تضعیف می‌کند و داور را در انجام وظایف و اهداف خود با مانع روبه‌رو می‌کند. به این دلیل نمی‌توان اعمال این اختیارات را محدود کرد. چنین اختیاراتی در عملکرد داور یا هیئت داوری نقش اساسی دارد و از آن‌ها به‌عنوان اختیارات ذاتی داوران نام برده شده است. داور باید اقتداراتی در واکنش به رفتارهای سوء طرفین اختلاف داشته باشد تا تمامیت و یکپارچگی فرایند رسیدگی برای وصول به هدف داوری را تأمین کند. این اقتدار می‌تواند جنبه بازدارندگی نسبت به ارتکاب مجدد رفتارهای سوء طرفین اختلاف با وضع ضمانت اجرا توسط داور داشته باشد.

اختیارات داوران می‌تواند شامل اختیار تشخیص صلاحیت توسط داور، صدور انواع دستورهای موقت، اعمال برخی ضمانت اجراها برای طرفین متخلف مانند اعمال جریمه و تحمیل هزینه برای طرفین باسوءنیت باشد. وجود چنین اختیاراتی برای کارآمدی داوری ضروری است. قانون داوری انگلیس ابتدا به‌منظور حفظ مواضع طرفین اختلاف، اصول کلی برای رسیدگی مقرر کرده است. داور باید فرصت معقولی به طرفین بدهد تا مواضع خود را مطرح کنند و به طرف مقابل پاسخ بدهند. این اصل مطابق با اصول عادلانه دادرسی و هدف داوری است. مضافاً قانون اختیارات گسترده‌ای به داوران داده است. برای مثال، ماده ۳۴ (۲) (ز) قانون مقرر داشته که اگر توافقی صورت نگرفته باشد، هیئت داوری درخصوص احراز امور موضوعی و حکمی با ابتکار عمل خود تصمیم می‌گیرد.

در انگلیس، داور اختیار عمل قابل توجهی در ارزیابی و اعتباربخشی به ادله دارد. داور می‌تواند درخصوص احراز واقعیات قانونی و نحوه رسیدگی تعیین تکلیف کند.^{۳۹} قانون

37. L. . li Khan, "Arbitral Autonomy," *Louisiana Law Review* 74, no. 1 (2013): 12.

38. Khan, "Arbitral Autonomy," 27-33.

۳۹. دی ام لیو، ای میستلیس، و ام کرول، *داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی*، ۵۶۵.

داوری، در قواعد مرتبط با دلیل، نسبت به رسیدگی قضایی منعطف‌تر است. بخشی از این انعطاف در اعطای اختیارات وسیع به داور یا هیئت داورى در سنجش و ارزش‌گذاری و پذیرش ادله متجلی شده است. طبق بخش ۳۴ (۲) قانون، در صورتی که توافقی مبنی بر عدول از قواعد خشک ادله نشده باشد، داور تصمیم می‌گیرد که انعطاف‌ناپذیری ادله را نسبت به قابل قبول بودن، ارتباط یا ارزش هر مطلبی که قصد ارائه آن در امور موضوعی وجود دارد و نیز تغییر و تعدیل زمان و مکان و شیوه مبادله ادله اعمال کند. در داورى داخلی ایران، مقنن صرفاً به وضع بایدهای عملکردی برای داوران مبادرت کرده است و حوزه اختیارات آن‌ها را به صورت کلی، مبهم و مجمل بیان کرده است.

از تضمینات استقلال عملکرد داوران، مصونیت آن‌ها در قبال فعالیت حرفه‌ای آن‌ها است. مثلاً عدم رعایت شروط مندرج در موافقت‌نامه داورى صرفاً بر رأی داورى تأثیر می‌گذارد. رفتارهای حرفه‌ای مشکل‌ساز که منجر به رأی معیوب می‌شود، مصون از پاسخ‌گویی است.^{۴۰} در انگلیس، اصل مصونیت داوران مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. طبق ماده ۲۹ قانون داورى ۱۹۹۶، داور برای فعل یا ترک فعل انجامی مسئولیت ندارد، مگر اینکه اثبات شود با سوءنیت رفتار کرده است. در ماده ۲۴ نیز ضمانت اجرای عزل برای خروج داور از بی طرفی در نظر گرفته شده است.

تصریح به داشتن چنین اختیاراتی موجب معافیت داور از بسیاری تشریفات دادرسی مثل تعیین وقت، ابلاغ و امثال آن می‌باشد. مثلاً داور می‌تواند فارغ از تشریفات رسیدگی، به نحوی که مطلوب بداند، نسبت به ارزیابی ادله و برگزاری جلسه برای استماع شهادت شهود و غیره اقدام کند. فقدان چنین مقرره‌ای موجب می‌شود دادگاه در تفسیر یا در خصوص اعتراض به رأی، ضرورتاً از مقررات آیین دادرسی مدنی برای پر کردن شکاف‌های مزبور وام بگیرد و داورى را به رسیدگی قضایی شبیه کند. دلیل توسل به این مقایسه و اخذ وحدت ملاک، عدم تصریح قانون به اصل عدم دخالت دادگاه در داورى و استثنائی بودن داورى است.

علاوه بر اینکه مقنن اصول و یا مقرراتی که مشتمل به اعطای اختیارات صلاحیدیدی به داور باشد را تدوین نکرده، هیچ نصی مبتنی بر مصونیت داوران نیز در قانون نگنجانده است. بنابراین چنانچه داوران براساس قاعده عام مقرر در ماده یک مسئولیت مدنی موجب ضرر

40. Carbonneau, "The exercise of Contract Freedom in the Making of Arbitration Agreements," 1201.

بازگشایی مفهوم داوری خودآیین و کارآمدی آن در ... / زندلشنی، حسن‌زاده و سلطانی‌نژاد ۱۵۱

شوند، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود هستند. ماده ۵۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی صراحتاً عدم مصونیت داور را مقرر کرده است.

گسترده‌گی و قابلیت تفسیر وسیع ابطال رأی در مقررات داوری داخلی ایران، یکی از مواردی است که با اختیار و استقلال داور یا هیئت داوری منافات دارد. برای مثال، داوری که مبادرت به صدور رأی می‌کند باید از تمام قوانین موجد حق آگاهی داشته باشد تا رأی صادره در معرض بطلان قرار نگیرد. این در حالی است که در حقوق انگلیس، در برخی موارد موجبات بطلان رأی، دادگاه می‌تواند رأی را به داور بازگرداند تا نسبت به اصلاح و تصحیح یا تکمیل آن اقدام کند، درحالی که داوری داخلی ایران فاقد چنین مقرراتی است.

۶. نتیجه‌گیری

سازوکار خودآیین توضیح کیفیت مقررات‌گذاری متناسب با خواست و نیاز طرفین، با ابتدای بر ارائه راه‌حل نهایی و منصفانه است. بررسی مقررات‌گذاری داوری در نظام حقوقی انگلستان نشان می‌دهد قانون‌گذار به سمت تأمین خودآیین داوری، قدم‌های بزرگی برداشته است. این نگرش در تدوین اصول کلی برای داوری، مانند اصل عدم مداخله دادگاه و اعطای اختیارات وسیع به داور یا هیئت داوری و نیز سامان‌دهی حدود توافق طرفین اختلاف برای ممانعت از منحرف کردن مسیر داوری متجلی شده است. داوری در نظام حقوقی ایران مبتنی بر رویکرد قضایی است. به این دلیل، چنان‌که باید، داوری نتوانسته کارایی لازم را داشته باشد. اصلاح مقررات با بهره‌گیری از شیوه مقررات‌گذاری در داوری انگلستان، تا حدودی می‌تواند به مطلوبیت داوری داخلی ایران کمک کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیاهه منابع

الف - منابع فارسی:

- بازگیر، یدالله. تشریفات دادرسی مدنی در آرای دیوان عالی کشور، داوری و احکام راجع به آن. تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۸۰.
- «تمدید مدت داوری». سامانه ملی آرای قضایی. آخرین دسترسی در ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/4900>
- «تمدید مهلت صدور رأی داوری توسط داوران». سامانه ملی آرای قضایی. آخرین دسترسی در ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/29410>
- دی ام لیو، جولیان، لوکاس ای میستلیس، و استفان ام کرول. داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی. ترجمه محمد حبیبی مجنده. قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۱.
- دی ام لیو، جولیان و ترجمه فیض‌الله جعفری. «تحقق رؤیا: داوری خودآیین»، مجله حقوقی بین‌المللی ۲۶، شماره ۴۰ (خرداد ۱۳۸۸): ۱۹۳-۱۶۳. [10.22066/CILAMAG.2009.17374](https://doi.org/10.22066/CILAMAG.2009.17374)
- رهای، سعید، و محسن متاجی. «تأملی بر مقررات‌گذاری در فضای سایبر»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی ۵۲، شماره ۴ (دی ۱۴۰۱): ۲۱۴۸-۲۱۲۷. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2020.278890.1963>
- زندى، محمدرضا. رویه قضایی دادگاه‌های تجدید نظر استان تهران در امور مدنی ۲ (داوری). تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
- شمس، عبدالله، و فرهاد بطحائی. «ماهیت حقوقی داوری»، فصلنامه تحقیقات حقوقی ۱۸، شماره ۷۰ (شهریور ۱۳۹۴): ۲۹-۱.
- قانون آیین دادرسی مدنی.
- «نمونه رأی بی‌طرفی داور (بطلان رأی داور به‌جهت ذی‌نفع بودن در دعوا)». عدالت‌سرا. آخرین دسترسی در ۱۵ مهر ۱۴۰۳. <https://edalatsara.com/example-of-arbitrators-neutrality-in-arbitration>

ب - منابع لاتین:

- Aragaki, Hiro N. "Arbitration: Creature of Contract, Pillar of Procedure." *Arbitration Law Review* 8, no. 5 (2016): 1-19.
- Arbitration Act, 1996. (First Published 1996. Reprinted 2001).
- Calrton, Kenneth S. "Theory of the Arbitration Process." *Law and Contemporary*

بازگشایی مفهوم داوری خودآیین و کارآمدی آن در ... / زندلشنی، حسن‌زاده و سلطانی‌نژاد ۱۵۳

Problems 17, no. 4 (1952): 631-651.

Carbonneau, Thomas E. "The exercise of Contract Freedom in the Making of Arbitration Agreements." *Vanderbilt Journal of Transnational Law* 36, no. 4 (2003): 1189-1223.

David, Rene. *Arbitration in International Trade*. Berlin: Springer Netherlands, 1885.

Douglas, Michael. "federal agency use of audited self-regulation as a regulatory technique." *administrative law review* 47, no. 2 (1995): 171-253.

Fan, Kun. "Arbitrator's Contract.. Edited by Andrea Bjorklund, Franco Ferrari and Stefan Kroll, *Cambridge Compendium of International Commercial and Investment Arbitration* 12, no. 28 (2021): 1-33.

Gaillard, Emmanuel. *Legal Theory of International Arbitration*. Berlin: Brill Nijhof, 2010.

Khan, L. Ali. "Arbitral Autonomy." *Louisiana Law Review* 74, no. 1 (2013): 1-58.

Lew, Julian D. M. "Achieving the Dream: Autonomous Arbitration." *Indiana Journal of Global Legal Studies* 22, no. 2 (2006): 423-442.

Onyema, Emilia. "The Concept and Scope of the Arbitrator's Autonomy." Last modified May 1, 2023. <http://eprints.soas.ac.uk/39075.2023>

Paulsson, Jan. *The Idea of Arbitration*. New York: Oxford University Press, 2013.

Perrit, Henry H. "the internet as a threat to sovereignty? Thoughts on the internet role in strengthening national and global convergence." *Indiana Journal of Global Legal Studies* 5, no. 3(1998): 423-442.

Stipanowich, Thomas J. "Arbitration and Choice: Taking Charge of the "New Litigation." *DePaul Business and Commercial Law journal* 7, no. 3 (2009): 383-436.

UK, Arbitration Act, 1996.

Uncitral Model Arbitration Law, 2006.

Yu, Hong-Lin. "A Theoretical Overview of the Foundations of International Commercial Arbitration." *Contemporary Asia Arbitration Journal* 1, no. 2 (2008): 255-286.